

## اشتغال کاذب چالش زیست مادران معاصر در تمدن اسلامی

الهه نوروزی<sup>۱</sup>

### چکیده

اشتغال زنان یک پدیده اجتماعی حائز اهمیت شمرده می‌شود. این اهمیت از یک سو به استفاده از استعدادهای عظیم انسانی موجود در زنان برمی‌گردد؛ از سویی دیگر زنان نیمی از پیکره جامعه را تشکیل داده و فعالیت آنان تاثیرات قابل ملاحظه‌ای در عرصه‌های متعدد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دارد. مادران به عنوان بخش عظیمی از جامعه زنان، سازندگان پایه‌های اصلی تمدن اسلامی هستند. در واقع، نقش مادری راهبردی‌ترین نقش در جامعه در جهت انسان‌سازی است زیرا تا انسان‌ها اندیشمند، متعهد و درستکار نباشند تمدن اسلامی برپا نمی‌شود. امروزه اساسی‌ترین و فراگیرترین چالش زیست مادران در تمدن اسلامی مسئله اشتغال کاذب در میان آنان است. مادران برای انتخاب شغل مناسب و دوری از اشتغال کاذب باید به مسئله اولویت تربیت فرزند به عنوان نقش اختصاصی خود که از سایرین ساخته نیست توجه داشته باشند. همچنین، شغل نافع را برگزینند که هدف از آن پر کردن خلایک نقش ضروری در جامعه و در راستای تحقق تمدن اسلامی باشد. آنچه این مقاله در پی آن است بیان عوامل نیل روزافزون به اشتغال کاذب در زیست مادران معاصر است. ضرورت بررسی این عوامل از آنجا نشأت می‌گیرد که اشتغال کاذب در مادران معاصر سبب تاثیرات مخرب در تمدن اسلامی از جمله کاهش فرزندآوری و کاهش کیفیت تربیت فرزند گشته است. همچنین، در صورت عدم شناخت این عوامل نمی‌توان به درستی به مدیریت و مقابله با این چالش پرداخت.

**واژگان کلیدی:** تمدن اسلامی، اشتغال کاذب، زیست مادری، انسان‌سازی.

---

<sup>۱</sup> دانش‌پژوه سطح ۳ مجتمع علوم اسلامی کوثر – Eллаhe.noruzi@gmail.com

## ۱- مقدمه

اشتغال زنان نقش موثری در ارتقای سطح جامعه، توسعه و پویایی آن دارد. زیرا زنان نیمی از پیکره یک جامعه را تشکیل داده و اشتغال هدفمند و مفید آنان به توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه کمک می‌کند. از سویی دیگر رکن اصلی تمدن‌سازی، انسان‌سازی است زیرا انسان‌های متفکر، اندیشمند و متعهد هستند که تمدن اسلامی را تشکیل می‌دهند. نقش انسان‌ساز و مهم‌ترین محور تربیت فرزند در جامعه متمدن، مادران هستند که بخش عظیمی از جامعه زنان را تشکیل می‌دهند.

تمدن اسلامی بدون حضور مادران در جامعه و اشتغال آنان ساخته نخواهد شد. استدلال این مسئله به سادگی قابل ذکر است زیرا تمدن اسلامی و جامعه اسلامی باید نیازهای افراد را برآورده سازد و از طرفی همه نیازهای انسان در خانواده تامین نمی‌شود و هیچ خانواده‌ای نمی‌تواند بار آموزش، بهداشت و درمان، حمل و نقل و خدمات اجتماعی را به طرز کاملی به دوش کشد. بنابراین اگر مادران در تمدن اسلامی شاغل نباشند بدین معنا است که افراد از بسیاری از خدمات محروم گردند زیرا اسلام به رفع نیازهای زنان در جامعه توسط مردان توصیه نکرده است. بر این اساس، بر اصل اشتغال مادران به عنوان بخش کثیری از جامعه زنان در اجتماع شک و تردیدی نیست اما آنچه محل بحث قرار می‌گیرد چالش اشتغال کاذب در زیست مادران به خصوص در میان مادران معاصر و همچنین رعایت اولیت‌ها و مرزها در اشتغال مادران است.

مادران برای انتخاب شغل مناسب و دوری از اشتغال کاذب باید به مسئله اولویت تربیت فرزند به عنوان نقش اختصاصی خود که از سایرین ساخته نیست توجه داشته باشند. همچنین، شغل نافع را برگزینند که هدف از آن پر کردن خلا یک نقش ضروری در جامعه و در راستای تحقق تمدن اسلامی باشد. چنانچه در جامعه تشویق مادران به حضور در مشاغلی که ضرورتی برای آن متصور نیست، منجر به این گردد که مادران نقش‌های اختصاصی خود اعم از همسراری و مادری را رها کنند، عملی از پایه‌های مهم تمدن اسلامی از بین می‌رود. ضرورت بررسی چالش اشتغال کاذب در زیست مادران معاصر و عوامل نیل به این اشتغال از آنجا نشأت می‌گیرد که این چالش به طور فزاینده‌ای رو به رشد بوده و عدم بررسی آن سبب تأثیرات مخرب در تمدن اسلامی از جمله کاهش فرزندآوری و کاهش کیفیت تربیت فرزندان گشته است. به این علت که مهم‌ترین نقش یک مادر در هر سطحی از معلومات و معنویت، نقش مادری او است که غیر از او از کس دیگری ساخته نیست و بقای نوع بشر، رشد و بالندگی استعدادهای درونی انسان و سلامت روحی جامعه به این نقش وابسته است. همچنین، در صورت عدم شناخت این چالش و عوامل نیل به آن نمی‌توان به درستی به مدیریت و مقابله با این چالش پرداخت.

آنچه این مقاله در پی آن است بیان عوامل نیل روزافزون به اشتغال کاذب در زیست مادران معاصر است. بر این اساس، ابتدا به تبیین و تفکیک اشتغال سازنده و اشتغال کاذب در میان مادران پرداخته می‌شود. در ادامه، عوامل نیل روزافزون به اشتغال کاذب مادران اعم از نیاز مالی و فقر، تغییر نظام ارزش‌ها و نقش‌ها، تهاجم

فرهنگی، رواج مصرف‌گرایی و ارضای نیازهای عاطفی تشریح شده و رویکرد مقابله با هر عامل مورد بررسی قرار می‌گیرد. هدف از بررسی این عوامل و بیان راهکار برای آنان، مدیریت و مقابله با این چالش در راستای تحقق تمدن اسلامی است.

## ۲- پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی در ارتباط با اشتغال مادران و زنان در جامعه صورت گرفته است. مطالعه این آثار برای بررسی چالش اشتغال کاذب میان مادران معاصر مفید به فایده بوده است. در ادامه به برخی از این آثار و پژوهش‌ها اشاره می‌کنیم.

کتاب «نگرش سیستمی به اشتغال زنان» اثر مونس سیاح به موضوع اشتغال بانوان پرداخته است. اشتغال بانوان دارای ابعاد مختلف است که این کتاب در صدد است با توجه به اهمیت این موضوع در جامعه ایران و ابعاد وسیع تأثیرات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سایر ابعاد مرتبط با آن، تصویر روشن و دقیقی از این پدیده را ارائه نماید. این کتاب در ابتدا به بررسی دلایل اشتغال زنان پرداخته و سپس آثار و پیامدهای اشتغال زنان را مورد بررسی قرار می‌دهد.

کتاب «زن؛ از سلوک عرفانی تا تمدن اسلامی» اثر محمدحسن وکیلی ضمن بررسی زن در دو بخش سلوک فردی و نقش بانوان در تمدن اسلامی، چگونگی عملکرد بانوان از سه منظر فردی، خانوادگی و اجتماعی را ترسیم می‌کند تا روشن شود که یک زن در این حیطه‌ها چگونه رفتار کند تا حرکتش به سمت خداوند متوقف نشود.

کتاب «زن و بازیابی هویت حقیقی» مجموعه بیانات حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای درباره سیمای زن در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی است که محسن کربلایی‌نظر و جمعی از محققین آن‌ها را گردآوری کرده‌اند. در این اثر بیانات رهبر انقلاب درباره اساسی‌ترین مسائل زنان در جامعه امروزی مورد بررسی قرار می‌گیرد و نکاتی همچون اهمیت نقش زنان در جامعه، کوتاهی جوامع اسلامی نسبت به نظر اسلام در مورد زن، پیشینه تاریخی حقوق زنان قبل و بعد از اسلام، وضعیت زن در غرب و در تمدن کنونی اسلامی، سیمای فردی، خانوادگی و اجتماعی زن در دنیای مدرن تشریح می‌گردد.

مقاله «مقایسه تطبیقی دو رویکرد مکتب اسلام و فمینیسم به تأمین امنیت اقتصادی زنان» نوشته زهرا صابری نیز دیدگاه مکاتب فکری الهی و غیرالهی در خصوص امنیت اقتصادی زنان را تشریح می‌کند. این کتاب با اشاره به اینکه اسلام جایگاه زن را در خانواده و اجتماع بصورت توأمان در نظر گرفته، به آسیب‌شناسی وضعیت امنیت اقتصادی زنان در کشور بویژه خلاءهای قانونی، ورود بی‌رویه زنان به مشاغل کاذب، و کم‌رنگ شدن نقش زن در خانواده می‌پردازد.

مقاله «تراحم اشتغال و فرزند پروری مادران شاغل و ارائه الگوی متناسب در فقه و حقوق» نوشته فائزه عظیم‌زاده و همکاران، به بیان این مسئله می‌پردازد که دغدغه زنان برای فرزندپروری مطلوب و چگونگی انطباق شرایط آن با فضای کار، نیازمند تحلیل روشمند است تا با بررسی ابعاد هویت زنان و اشتغال، در مواجهه با تبعات

و مشکلات ناشی از تراحم نقش ها، تدابیر منطقی، مناسب و منطبق بر مولفه های شرعی و عرفی قابل اجرا اتخاذ گردد. مطابق این مقاله توجه به حق سلامت زنان در بعد شغلی و بازنویسی قانون کار و قوانین حمایتی از اشتغال زنان در جامعه، دو وظیفه مهم در این راستا خواهند بود.

پایان نامه «فرصت‌ها و چالش‌های اشتغال بانوان در جامعه از منظر قرآن و روایات» نوشته مریم غضنفری به بررسی تطبیقی اشتغال زنان در جامعه ایران و جوامع غربی و عربی از حیث تاریخی و آماری و همچنین بیان نظر اندیشمندان در مورد اشتغال زنان و دیدگاه آیات و روایات نسبت به این مسئله می‌پردازد. در ادامه نیز ضمن بیان فرصت‌ها و چالش‌های ناشی از اشتغال خارج از خانه توسط بانوان در ابعاد سه گانه، به بیان الزامات حضور زنان در اجتماع با استناد به آیات و روایات پرداخته می‌شود.

در پایان‌نامه «بررسی تاثیر پیامد های اشتغال زنان بر روابط درون خانواده» نوشته داود صادقیان فعالیت های اقتصادی زنان در بیرون از منزل را در چند دهه اخیر مورد بررسی قرار داده و پیامد های ناشی از آن بر روابط بین اعضای خانواده را بیان کرده است. این پژوهش به صورت نمونه گیری و آماری از ۲۰۰ نفر از زنان شاغل و غیر شاغل در شهرستان ملکان انجام گرفته و روابط درون خانواده را از دو منظر قدرت تصمیم گیری در خانواده و رضایت و سازگاری زناشویی مورد بررسی قرار داده است و رابطه معنا داری حاصل شده که نشان می‌دهد که هر چه میزان سرمایه اجتماعی و اقتصادی زنان در خانواده بیشتر باشد، قدرت تصمیم گیری آنان در خانواده افزایش می‌یابد اما سازگاری زناشویی در حال کاهش می‌باشد.

بررسی آثار تا حد احصاء، بیانگر آن است که پژوهش های صورت گرفته به بررسی چالش اشتغال کاذب و به طور خاص توسعه روزافزون آن و عوامل نیل به آن نپرداخته‌اند. همچنین در غالب به بیان معایب اشتغال ناکارآمد مادران پرداخته شده و از پرداختن به راهکارها بازمانده است.

### ۳- مفهوم شناسی

ارزشمندترین نقش زنان در جهان خلقت، نقش مادری کردن است. بدین منظور در این بخش به تشریح دو مفهوم نقش مادری در تمدن اسلامی و همچنین اشتغال کاذب مادران به عنوان یکی از چالش‌های اساسی در زیست مادران معاصر پرداخته می‌شود.

#### ۱-۳- نقش مادری در تمدن اسلامی

برخی از دیدگاه‌ها مهم‌ترین عنصر سازنده یک تمدن را ثروت یا صنعت می‌دانند اما اندیشمندان بر این موضوع اتفاق نظر دارند که مهم‌ترین عنصر سازنده یک تمدن، فکر و اندیشه است. در پس وجود فکر، اندیشه، دانش و خلاقیت است که صنعت و اقتصاد پیشرفت می‌کند و جهش تمدنی روی می‌دهد. قوام فکر و اندیشه نیز به انسان‌ها است و در حقیقت رکن اصلی تمدن‌سازی، انسان‌سازی است. مهم‌ترین عنصر سازنده انسان متفکر، اندیشمند و متعهد نیز خانواده است. چنانچه خانواده تشکیل نشود یا از هم بپاشد، یا انسانی متولد نمی‌شود و بحران جمعیت ایجاد می‌شود یا فرزندان رشد و کمال نمی‌یابند و به انسان کارآمد تبدیل نمی‌شوند و تمدن اسلامی با مشکل مواجه خواهد شد (بیانات مقام معظم رهبری در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴).

حال با توجه به این موضوع که هسته اصلی تمدن اسلامی خانواده است باید به این موضوع پرداخت که در خانواده چه کسی نقش انسان‌سازی را برعهده دارد و محور تربیت و فرزندآوری در خانواده کیست. پدر به عنوان سرانجام‌دار خانواده تعیین شده و مادر در امر تربیت فرزند از پدر برای داشتن نظارت بر خانواده کمک می‌گیرد. فرآیند رشد و نگه‌داری فرزند تقریباً به طور کامل بر دوش مادر است. نقش مادری به خصوص در هفت سال اول بسیار پررنگ بوده و لذا مادران سازندگان اصلی تمدن در یک جامعه هستند (وکیلی، ۱۴۰۱: ۱۴۲).

نقش مادری مهم‌ترین نقشی است که هر بانو در این عالم ایفا می‌کند. ایفای این نقش به واسطه توان جسمی و روحی‌ای است که خداوند در وجود مادران قرار داده است. به تاکید رهبر معظم انقلاب از دهه هفتاد تاکنون مهم‌ترین، راهبردی‌ترین، اساسی‌ترین و شریف‌ترین نقش بانوان در تمدن اسلامی مادری کردن است و هیچ نقشی با آن قابل قیاس نیست. آنچه غرب در پی آن است تحقیر این نقش و همچنین خانه‌داری بانوان است در صورتی که معنای این نقش تربیت انسان است که والاترین محصول عالم می‌باشد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مداحان اهل بیت (ع)، ۱۳۹۵/۱۲/۲۹).

### ۲-۳- اشتغال کاذب مادران

در مسئله اشتغال زنان به خصوص مادران جامعه اسلامی نظرات متعددی در طول زمان وجود داشته و افراط و تفریط‌هایی رخ داده است. از یک سو در گذشته در حق مادران ظلم‌هایی صورت گرفته و آنان از هرگونه حضور اجتماعی و فعالیت عمومی منع می‌شدند و محدودیت‌هایی بیش از حد بر آنان حاکم بود. از سوی دیگر نیز در تمدن مدرن و فرهنگ غربی مادران به حضور بی‌قید و شرط در عرصه‌های اجتماعی دعوت می‌شوند (وکیلی، ۱۴۰۱: ۱۴۵).

آنچه اسلام و تمدن اسلامی بر آن نظر دارد این است که با حضور زنان و مادران جامعه در بیرون از منزل موافق بوده و تحقق تمدن اسلامی را بدون حضور مادران در جامعه ممکن نمی‌داند. چرا که نیاز زنان و مادران در خانواده برآورده نمی‌شود و اگر بنا بر این باشد که خانم‌ها خود در رفع نیازهایشان فعالیت کنند باید عده‌ای از آنان در عرصه جامعه بار مربوط به حوزه زنان را بر دوش کشند. بر این اساس اصل اشتغال مادران مورد تایید تمدن اسلامی بوده و چالش موجود در این حوزه نحوه اجرا و رعایت حدود و مرزها است که در صورت عدم توجه به این موضوع اشتغال کاذب در زیست مادران ایجاد می‌گردد (همان: ۱۴۶).

شغل کاذب به شغلی اطلاق می‌گردد که در آن شخص در جایگاه متناسب با مهارت‌ها و مشخصات خود قرار داده نشده باشد. در همین راستا اگر نقش مادری را مهم‌ترین نقش زنان بدانیم که به صورت تخصصی از آنان ساخته بوده و از عهده دیگران بر نمی‌آید، اولویت در برگزیدن شغل و فعالیت اجتماعی باید به گونه‌ای باشد که نقش مادری را تحت الشعاع قرار ندهد چرا که در این صورت شغل مطابق با مشخصات مادر نبوده و کاذب تلقی می‌گردد (بیانات مقام معظم رهبری در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴).

چنانچه در جامعه اسلامی تشویق زنان و مادران به حضور در اجتماع و کسب مشاغل به صورتی باشد که آنان نقش همسری و مادری خود را رها کنند عملاً یکی از پایه‌های مهم تمدن اسلامی از بین خواهد رفت و

مشاغل کسب شده کاذب خواهند بود. زیرا اولویت برای هر شخصی قرار گرفتن در جایگاه اختصاصی خود است به گونه‌ای که اگر او در این جایگاه قرار نگیرد دیگران نتوانند جای او را پر کنند. همچنین، شغلی کاذب به شمار نمی‌رود که نافع بوده و نیت مادران از انجام آن پر کردن یک خلاء در بیرون از خانه و یک شغل ضروری باشد. شغل نافع همچون علم نافع بوده و از اهمیت بالایی برخوردار است. برای انتخاب شغل باید این موضوع لحاظ گردد که آیا این شغل در راستای کسب رضای خدا و تحقق تمدن اسلامی نافع و مفید خواهد بود یا تنها اسم و اعتبار و نگاه عمومی از انجام آن مدنظر است (وکیلی، ۱۴۰۱: ۱۵۰).

#### **۴- عوامل موثر بر گسترش اشتغال کاذب میان مادران**

مادران در زیست خود ممکن است به دلایلی از جمله استقلال مالی و مسائل اقتصادی، مشارکت اجتماعی و افزایش قدرت تصمیم‌گیری، بهره‌مندی از تحصیل و تخصص و همچنین کسب تعالی و نشاط روحی به شغل نافع مشغول شوند. آنچه در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد دلایل و عواملی است که در دوران معاصر مادران را به سوی اشتغال کاذب مطابق تعریفی که در بخش قبلی از آن شرح داده شد نیل داده و تشویق می‌کند.

#### **۱-۴- نیاز مالی و فقر**

با افزایش فشارهای اقتصادی و همچنین افزایش تورم، فقر و فاصله طبقاتی گسترش یافته و در نتیجه گروهی از مادران معاصر برای حل مشکلات مالی خود و خانواده خود روی به اشتغال کاذب می‌آورند. این نوع شغل‌ها غالباً با درآمد پایین‌تر و نیاز کمتر به تخصص، مادران را جذب می‌کنند. در نتیجه با توجه به این که امکان وجود نظارت دقیقی در این زمینه وجود ندارد، کارفرما از نیاز مادر به شغل آگاه بوده و امکان عدم رعایت انصاف و ظلم به مادران وجود دارد (سیاح، ۱۳۹۷: ۲۲).

همچنین، به دلیل پایین‌تر بودن دستمزد مورد انتظار مادران با نیاز مالی شدید، سیاست‌های اقتصادی دولت برای کاهش قیمت در بخش نیروی انسانی و تولید محصول ارزان‌تر، رغبت کارفرمایان برای استخدام زنان و مادران با نیاز مالی افزایش یافته است (زیبایی نژاد، سبحانی، ۱۳۷۹). در این رابطه گاهی برخی از کارفرمایان ترجیح می‌دهند با اخراج کارگران مرد که طبق ضوابط قانونی وزارت کار هزینه‌های از جمله بیمه و حق عائله-مندی را بر کارفرما تحمیل می‌کنند را اخراج کرده و زنان و مادران را به کار بگیرند که با دستمزد کمتری همان کار را انجام می‌دهند.

مشاغل کاذبی که به علت نیاز مالی و فقر توسط مادران معاصر انتخاب می‌شوند معمولاً به تخصص خاصی نیاز نداشته و افراد صرفاً با انگیزه‌های مالی به آن می‌پردازند. چنین مادرانی معمولاً اعضای یک خانواده بدسرپرست یا بی‌سرپرست هستند که عدم اشتغال ایشان باعث ایجاد ناهنجاری مضاعفی در خانواده می‌گردد. به علت سنگینی مسئولیت بر دوش این مادران، غالباً دچار بیماری‌های روحی و جسمی شده و همچنین دچار پیری زودرس می‌شوند (دمیرچی، ۱۳۹۲).

#### **۲-۴- تغییر نظام ارزش‌ها و نقش‌ها**

فضا یا فرهنگ عمومی موجود در جامعه معاصر با جهت‌گیری و ارزش‌سازی، مادران را ناگزیر و مضطر به اشتغال می‌کند و سبب مشکلات متعدد در حوزه زنان و مادران می‌گردد. در این راستا، چنانچه فردی در مقابل این جریان استنکاف کند باید هزینه قابل توجهی پرداخت کرده و نهایتاً در این جریان هضم گردد. هرچند در مفهوم اضطراب، اختیار آدمی دخیل است اما در زمان اضطراب انسان دچار سوء اختیار شده و با سلب اراده دست به انجام علمی می‌زند که با منطق عقلی سازگار نیست و در این مقوله به اشتغال کاذب روی می‌آورد (سیاح، ۱۳۹۷: ۲۹). بنابراین می‌توان گفت گاهی انتخاب شغل کاذب از سوی مادران در کنار سایر نقش‌ها و مسئولیت‌های ایشان در خانواده نوعی اضطراب است که آنان به دلیل فشار اجتماعی روی خود احساس کرده و راه مواجهه با آن را تن دادن به این اضطراب اجتماعی می‌دانند.

فشار اجتماعی ایجاد شده می‌تواند از نوع تحقیر نقش همسری و مادری و همچنین خانه‌داری باشد. در فرهنگ عمومی چنانچه زنان و مادران خانه‌دار به خصوص در رسانه‌ها به عنوان افرادی بی‌سواد، ناآگاه و بیکار ترسیم شوند، این موضوع سبب تشویق مادران و به خصوص مادران آینده در جامعه به اشتغال کاذب می‌گردد (سخایی، ۱۳۸۸).

از دیگر مصادیق تغییر نظام ارزش‌ها گسترش فراگیر رسانه‌ها به خصوص رسانه‌هایی با منشاء غربی و ترویج اندیشه‌های فمینیستی است. در نتیجه این گسترش و ترویج اندیشه، نه تنها دیدگاه زنان و مادران بلکه دیدگاه جامعه به مسئله شغل تغییر یافته و ناخودآگاه زنان و مادران را به انجام کارهای مشابه مردان و گاهی دون‌شان و ویژگی‌های زنان سوق می‌دهد (رودگر، ۱۳۸۸).

همچنین، با پایبندی شدید افراد به ارزش‌های مادی به تبع فرهنگ غربی، ارزش‌های والایی همچون وفاداری، همراهی با همسر، احساس مسئولیت در زندگی زناشویی، صداقت و گذشت جایی در خانواده نداشته و میزان جدایی عاطفی و طلاق را افزایش می‌دهد (رضوی، میراسلامی و پورعلمداری، ۱۳۸۸: ۲۳۰-۲۲۹).

#### ۴-۳. تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی جریانی با برنامه‌ریزی دقیق و استفاده از تمام ابزارهای ممکن برای تاثیرگذاری بر باورها، احساسات و رفتارهای جامعه هدف یعنی مادران است. تهاجم فرهنگی با تبدیل مادران جامعه به صورت ناخودآگاه به نیروهای خودی، موجب می‌شود آنان بدون هیچ فشاری مانند مهاجمان بیاندیشند، دوست داشته باشند و رفتار کنند (شریفی ۱۳۹۱: ۲۷).

امام خمینی هدف اصلی استعمارگران را که در رأس تمام اهداف آنان است، هجوم به فرهنگ جوامع زیر سلطه بیان می‌کند؛ چرا که اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته از فرهنگ مخالف باشد، به ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا کرده و بلاخره در آن مستهلک شده و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد. بر این اساس، اگر ملتی فرهنگ کفر را بپذیرد، ایدئولوژی و عقاید کفرآمیز را نیز خواهد پذیرفت یا به سستی در اعتقادات دینی خود دچار خواهد شد و این همان هدفی است که کافران در هجوم فرهنگی بر مسلمانان آن را دنبال می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۷). در این موضوع نیز دشمن با بهره‌گیری از رویکردهای

جنگ نرم و جنگ ترکیبی در پی نیل مادران جامعه به اشتغال کاذب و در پی آن رهاسازی نقش مادری و همسری و در غایت فروپاشی عنصر انسان ساز جامعه است.

#### ۴-۴- مصرف گرایی

اشتغال بسیاری از مادران در کشور به علت نیاز اقتصادی به شغل نبوده بلکه به امید دستیابی به رفاه بیشتر صورت گرفته است. مطابق آمارها گرایش مادران طبقه متوسط و بالاتر جامعه به اشتغال، بیش از طبقات ضعیف بوده و با افزایش درآمد خانواده‌ها، موافقت با اشتغال مادران در آن خانواده بیشتر می‌شود (باقری، ۱۳۸۳: ۱۰۲). بر این اساس، به نظر می‌رسد آنچه در دهه‌های اخیر بیش از فقر و تنگنای اقتصادی در تمایل به اشتغال به خصوص نیل به مشاغل کاذب در مادران موثر بوده، احساس مشکلات اقتصادی است نه خود آن، که شخص پس از مقایسه وضعیت اقتصادی خود با طبقات بالاتر به دست می‌آورد (مرتضوی، ۱۳۸۱).

با گسترش رسانه‌ها به خصوص برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای و همچنین انواع شبکه‌های اجتماعی، تصویری از یکی زندگی مرفه تا دورترین نقاط جامعه شهری و روستایی نفوذ یافته و در این وضعیت نیاز کاذب به شغل به شکل بی‌حد و حصری مورد رشد قرار می‌گیرد و همچنین احساس نارضایتی عمیق از وضعیت اقتصادی، مادران را به تکاپو دستیابی به مشاغلی که غالباً کاذب هستند و می‌دارد (بررسی علل مصرف‌گرایی، ۱۳۹۲: ۶۳).

همچنین، در سال‌های اخیر حاکمیت الگوهای رفاه و توسعه‌گرایی براساس شاخص‌های جهان مادی سبب شده تا فرهنگ مقایسه و چشم و هم‌چشمی در ایران رواج یابد (شکوهی ستا، ۱۳۹۲). در حالی که پیش از این در جامعه به خصوص در زمان هشت سال دفاع مقدس فرهنگ مقایسه در زندگی خانواده‌ها محوریت نداشته و حتی ثروتمند بودن به عنوان یک ارزش منفی تلقی می‌شد. در این خصوص باید اشاره کرد که در دوران معاصر حیات نظام سرمایه‌داری به توسعه مصرف وابسته بوده و مصرف بیشتر در گرو برخورداری مصرف‌کننده از درآمد کافی است. فراخوان و تشویق مادران معاصر به حضور بیشتر در عرصه‌های اقتصادی و نیل آنان به اشتغال کاذب نیز در راستای تحقق مدل اقتصادی سرمایه‌داری و با غرض تشویق خانواده‌ها برای تحصیل درآمد بیشتر و به تبع آن مصرف بیشتر است (سیاح، ۱۳۹۷: ۳۱).

شایان ذکر است که بهره‌برداری از منابع جدید مالی در زندگی مادران دارای شغل کاذب همواره در جهت صحیح انجام نمی‌شود. در بسیاری از خانواده‌ها حضور مادران در عرصه‌های اشتغال کاذب اما درآمدزا، به تغییرات مناسبات اجتماعی و ارزشی خانواده انجامیده و اعضای خانواده در پی حفظ شئونات جدید و به اصطلاح آبروداری با افزایش مصرف مواردی بیش از نیاز و ضروریات زندگی سعی بر این دارند که جایگاه اجتماعی خود را بهبود دهند (اسفندیار، ۱۳۸۴: ۲۰). بر پایه تحقیقات انجام گرفته در کشور آلمان هشتاد درصد درآمد زنان و مادران در خانواده‌ها در مصارفی هزینه می‌شود که اگر این منبع درآمد وجود نمی‌داشت، نیازی به آن نداشتند (مهدوی، ۱۳۸۳: ۹).

#### ۵-۴- ارضای نیازهای عاطفی



یکی از نیازهای مادران و همسران در زندگی نیاز روانی به مصاحبت و برقراری ارتباط و انس با همسر است. زنانی که نتوانند این نیاز خود را در خانواده تامین کنند گاهی برای پر کردن این خلاء عاطفی به اشتغال کاذب روی آورده و با سپری کردن ساعات زیادی از روز خود با همکاران، راضی به منزل برمی‌گردد. در چنین شرایطی کمتر نیاز گفت‌وگو با همسر و برقراری رابطه کلامی و عاطفی با او را حس خواهد کرد و همین امر سبب بروز فاصله عاطفی میان این دو می‌گردد.

همچنین، جامعه معاصر با رواج اندیشه‌های حاکم بر جامعه غربی یعنی اومانیسم و لذت‌گرایی به سمتی نیل داده می‌شود که زنان و مادران با شعار آزادی زنان، وسیله التذاذ مردان قرار گیرند و در عوض توجه به عواطف و خوی مهرآمیزی که خداوند در وجود آنان ودیعه نهاده، جنبه‌های شهوانی و به تعبیر غرب عشقی زن مورد پرورش قرار گیرد. در این شرایط ارزش و اعتبار زن به این است که خود را در چشم مرد آرایش کند و از نگاه مرد تمتع جسته و مورد تحسین قرار گیرد. در واقع اگر مادر بخواهد در جامعه نمود پیدا کند و شخصیت یابد باید از جذابیت‌های جنسی خود ارائه داده و برای عنصر ذی‌نفع جامعه یعنی مردان چشم‌نواز باشد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از بانوان نخبه، ۱۳۹۰/۳/۱).

در چنین شرایطی حضور مداوم مادران در عرصه اشتغال و با رضایت از ارضای نیازهای عاطفی ایشان، باعث دور شدن آنان از فضای خانواده و خانه گشته و همچنین موجب بیگانه‌شدن مادران با ویژگی و وظایف خود در خانواده می‌گردد. این مسئله در غایت خود ممکن است به بحران هویت در بانوان و همچنین فروپاشی بنیان‌های خانواده مادران منجر شود (سیاح، ۱۳۹۷: ۹۳).

## ۵- راهبردهای مدیریت و مقابله با توسعه اشتغال کاذب میان مادران

هدف از بررسی راهبردهای مدیریت و مقابله با چالش اشتغال کاذب مادران معاصر بیان راه‌های علاجی برای این چالش در راستای تحقق تمدن اسلامی خواهد بود که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۵-۱- راهبردهای اقتصادی

یکی از عوامل مهم نیل مادران معاصر به اشتغال کاذب مسئله نیاز مالی و فقر است. یکی از راهبردهای مقابله و مدیریت این عامل بررسی سیاست‌های مربوط به اشتغال زنان به خصوص زنان سرپرست خانوار می‌باشد. این راهبرد بایستی در سطح حاکمیت مورد اجرا قرار گیرد تا به واسطه حمایت‌های ویژه‌ای که از این مادران انجام شود موجبات اشتغال نافع و زمینه‌های استفاده از سرمایه‌های وجودی آنان با توجه به شأن و منزلت مادران فراهم گردد.

رأس حمایت‌های اقتصادی حاکمیت از این مادران می‌تواند توانمندسازی اقتصادی آنان باشد. در این راستا به برخی از مادران که فرزندان زیر هفت سال دارند حمایت‌های بلاعوض تخصیص داده شود زیرا فرآیند نگهداری و تعالی فرزند در این هفت سال به دوش مادر بوده و برای تربیت نسل تمدن‌ساز وجود مادر در کنار فرزند ضرورت دارد. از آنجایی که غالباً مادران با مشکلات مالی، در مشاغل کاذبی به کار گرفته می‌شوند که به تخصص بالایی نیاز نداشته و در عین حال نیز درآمد بالایی ندارند. حال، چنانچه برخی از مادران تخصص ویژه‌ای ندارند

می‌توان زنجیره آموزش‌های لازم برای کسب یک اشتغال نافع در تمدن اسلامی را به آنان ارائه کرد. چنانچه دارای مهارت و تخصصی باشند اما توانایی بکارگیری تخصص خود برای ارائه خدمات در جامعه اسلامی را نداشته باشند می‌توان به آنان تسهیلات ویژه و اعتبارات مالی برای راه اندازی شغل نافع را اهدا کرد. همچنین با پایش مداوم جامعه چنین مادرانی تحت چترهای حمایتی و بیمه قرار گیرند (بانکی پورفرد، ۱۳۹۳: ۷۵).

یکی دیگر از راهبردهای مهم در راستای رفع اشتغال کاذب مادران با مشکلات مالی، توانمندسازی روانی آن‌ها است. در این راستا آموزش‌هایی توسط مددکاران و روان‌شناسان برای افزایش خودباوری و اعتماد به نفس به آنان ارائه شود که آنان را آماده پذیرش مسئولیت‌ها و مشاغل نافع کند. همچنین، تدوین این خدمات مشاوره‌ای در جهت تمهیدات صورت گرفته از سمت حاکمیت برای حمایت از مادران باشد (صدیقی اورعی، ۱۳۸۸: ۱۷).

## ۲-۵- راهبردهای ارزش‌گذاری و فرهنگی

جهت‌گیری فضای جامعه معاصر که مادران را مضطر به اشتغال به خصوص اشتغال کاذب می‌کند با راهبردهای سخت و تجویزی تغییر نخواهد کرد و چنین راهبردهایی راهگشا نخواهند بود. در این راستا بایستی از راهبردهای نرم استفاده کرد و مجموعه اقدامات فرهنگی و تربیتی لازم در اولویت قرار گیرند.

در دهه‌های اخیر جریان عمومی هدایتگر جامعه به سمت ارزش مطلق تلقی نمودن اشتغال زنان و تحقیر نقش همسری و مادری برای مادران اضطراب اجتماعی ایجاد می‌کنند. چنانچه همین عملکرد فرهنگی هوشمندانه و در جهت تشویق زنان و مادران به سوی اولویت قرار دادن مسئولیت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی باشد و شاخص‌ها، نمونه‌ها و الگوهای موفق نیز در این راستا معرفی گردند قادر به اثرگذاری بر افکار عمومی خواهند بود (اعظم‌آزاده، ۱۳۹۰: ۱۳).

از جمله راهبردهای فرهنگی می‌تواند انجام اصلاحات فرهنگی برای تغییر نظام ارزشی با رویکرد خانواده‌محور و توجه به کارآمدی نقش مادری زن و قرار گرفتن فعالیت‌های دیگر او در اولویت‌های بعدی باشد. همچنین می‌توان به تبیین مبانی علمی تمایز میان جنسیت‌ها پرداخت که مهم‌ترین مبانی این تمایزات توصیف تفاوت‌های طبیعی، روحی، روانی، و جسمانی میان زن و مرد است. اطلاع‌رسانی درست و مناسب در این زمینه می‌تواند فرهنگ عمومی را در راستای پذیرش نقش‌های خانوادگی و احترام به آن‌ها مجاب کند (شکوهی ستا، ۱۳۹۲).

یکی دیگر از راهبردهای کلان در این زمینه می‌تواند فرهنگ‌سازی در راستای جهت‌دهی به تربیت نیروی انسانی به خصوص در سطح تحصیلات دانشگاه و مهارت‌های حرفه‌ای باشد به گونه‌ای که استعداد و علاقه دختران و پسران در جامعه به سمت توانایی‌های ذاتی و نقش‌های مورد انتظار از آن‌ها در خانواده و اجتماع رشد کند. البته این راهبرد در سطح حاکمیت بوده و طراحی رشته‌ها و دوره‌های آموزشی و تربیتی متنوعی را می‌طلبد که انگیزه ایجاد کرده و همچنین با تبلیغات اصولی زمینه حضور افراد را در آن‌ها میسر سازد.

## ۳-۵- راهبردهای تبیین و آگاهی بخشی

در جامعه معاصر جایگاه حقیقی مادران مورد شناخت کامل قرار نگرفته و متاثر از فرهنگ غربی است. در چنین فرهنگی کار خارج از خانه و حتی شغل کاذب با ارزش تر از وظایف مادری و همسری دانسته می شود و رسانه ها و شبکه های اجتماعی نیز دائم بر این قضیه تاکید دارند.

اساسی ترین راهبرد برای مدیریت و مقابله با تهاجم فرهنگی اثرگذار بر اشتغال کاذب مادران معاصر استفاده از رسانه ها به ویژه رسانه ملی در جهت تبیین و آگاهی بخشی به جامعه به خصوص مادران است. در این راستا چنانچه اقتدار زنان و مادران در چارچوب ضوابط و ارزش های دینی تبیین گردد و همچنین، حقوق زنان و مادران از دیدگاه اسلام به درستی معرفی گردد، مادران به درک درست جایگاه خود در خانواده و جامعه اعتماد به نفس کافی داشته، دائما احساس ظلم به خود را نداشته و از راه های نادرست و برگرفته از آموزه های غربی و فمینیستی به دنبال رقابت بر سر کسب منافع فردی و روی آوردن به اشتغال کاذب به عنوان اهرمی برای احقاق حقوق خود نخواهند بود (صلح میرزایی، ۱۴۰۱: ۱۷۶).

همچنین مسئولان، قانون گذاران و برنامه ریزان فرهنگی و اجتماعی موظف هستند چارچوب اشتغال زنان را براساس مدل اسلامی و هماهنگ با فرهنگ دینی و عرف ملی طراحی کنند و از سوی دیگر با فرهنگ سازی و آموزش های صحیح در ساختار تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش به ترویج درست مفاهیم ایرانی - اسلامی پرداخته و تمایلات و تقاضای افراد به ویژه مادران فردا را به سوی اجرای این مدل جهت دهی نمایند.

#### ۴-۵- راهبردهای حاکمیت زدایی سبک زندگی مصرف گرا

مصرف گرایی که به اشتغال کاذب مادران معاصر می انجامد با روح اقتصاد مقاومتی در تضاد است. این نوع اقتصاد نحوه مصرف و تولید را کنترل کرده با تغییر الگوی فرهنگی و آموزش می تواند مصرف گرایی را مهار کرده و نارضایتی افراد را کاهش دهد. البته اقتصاد مقاومتی به معنی ریاضت نبوده و همچنین به طور اتفاقی و دستوری نیز قابل اجرا نیست. واژه اصلاح الگوی مصرف کلید تحقق اقتصاد مقاومتی می باشد.

الگوی مصرف در اسلام به معنی استفاده بجا از نعمت ها و پرهیز از اسراف است. در راستای راهبردهای حاکمیت زدایی سبک زندگی مصرف گرا می توان به ترویج الگوی مصرف در زندگی نبی اکرم (ص) و معصومین (ع) پرداخت. اصلاح الگوی مصرف که به معنی نهادینه کردن روش صحیح استفاده از منابع کشور است، سبب ارتقای شاخص های زندگی و کاهش هزینه ها شده و زمینه ای برای گسترش عدالت می گردد.

همچنین از طریق رسانه ها و در دوران کودکی، از طریق خانواده و مدرسه می توان فرهنگ اصلاح الگوی مصرف را گسترش داد. همچنین مادران در خانواده می توانند در این رابطه موثر بوده و مادران فردا را به راه صحیح هدایت نماید که این مستلزم کسب آگاهی لازم توسط آنان است. از آنجایی که تا قبل از شش سالگی شخصیت افراد پایه ریزی می شود، اگر در این مدت به هدایت شخصیت آنان توجه نشده و فرهنگ قناعت در وجودشان شکل نگیرد، دیگر نمی توان به راحتی برای فرهنگ سازی آنان تلاش نمود (محتشمی، ۱۳۷۸: ۸۲).

باتوجه به پتانسیل و قدرت رسانه ها در جهت فرهنگ سازی در جامعه نیز رسانه ملی نقشی اساسی در جهت جلوگیری از افزایش انتظارات در جامعه و به خصوص در میان مادران دارد. رسانه ملی نباید به افزایش و ترویج مصرف گرایی در جامعه کمک کند، بلکه باید از طرق مختلف راهکارهای عملی و کاربردی در جهت کاهش

انتظارات، افزایش آگاهی جامعه از مقتضیات و توانایی‌های دولت، نقد برخی برنامه‌ریزی‌ها در جهت افزایش انتظارات در جامعه اتخاذ کند. به‌طور مثال در این زمینه ضروری است که تجدیدنظری در نحوه تبلیغات کالاهای پخش فیلم‌هایی که مروج مصرف‌گرایی هستند انجام گیرد. همچنین نیاز است برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های گذشته و کنونی دولت‌ها در زمینه افزایش انتظارات، مصرف‌گرایی مورد نقد و بررسی جدی قرار بگیرد.

#### ۴-۵- راهبردهای روان‌شناسی

اندیشمندان بزرگ در نتایج تحقیقات خود بیان می‌دارند که مشارکت مادران در شغل‌های کاذب موجب افزایش میزان استرس در میان آنان شده و در پی آن به مشکلات جسمی و روحی دچار می‌شوند. راهبردهای روان‌شناسانه برای مدیریت اشتغال کاذب چنین مادرانی می‌تواند راهگشا باشد. بر این اساس مادر با دریافت خدمات مشاوره‌ای تخصصی پاسخ به این سوال را در خود جستجو کند که آیا دلیل قابل قبول و ضرورتی برای ورود به شغل کاذب دارد و یا تمایل او تحت تأثیر عوامل کاذب عرفی ایجاد شده است. برای نمونه آیا هم‌نشینی با همکاران و پر کردن اوقات فراغت دلیل قانع‌کننده‌ای برای ورود به شغل کاذب است؟ یا آیا اولویت‌ها و ضوابط شرعی در این شغل رعایت می‌گردد یا حضور در این عرصه مستلزم خروج از حدود و ارتکاب معصیت الهی خواهد بود (احمدی، ۱۳۹۰: ۷۴).

همچنین خدمات مشاوره‌ای به همسران این مادران در خانواده ارائه شود به نحوی که مرد در پی کسب آموزش‌های لازم با تدبیر بتواند احساس آرامش و تأمین همسر خود را فراهم نماید و انگیزه او برای اشتغال کاذب را کاهش دهد.

#### ۶- نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی چالش اشتغال کاذب میان مادران معاصر بود تا از طریق این بررسی، معین شود که عوامل نیل‌دهنده و تشویق‌کننده مادران معاصر به حضور در مشاغل کاذب چه عواملی هستند. از این رو، نخست اجمالا به بررسی نقش مادری و همچنین مفهوم اشتغال کاذب برای مادران پرداخته شد. در این راستا افکار و نظرات حاکم بر غرب، در زمینه مسئله اشتغال مادران مطلقاً نمی‌تواند مایه سعادت و هدایت جوامع بشری باشد. موارد زیر دلیل این مسئله را به اختصار شرح می‌دهد:

- تفکرات غربی مبتنی بر معرفت‌شناسی مادی و غیر الهی هستند.
  - نقش مادران در مشاغل کاذب به عنوان یک ابزار در راه ارضای امیال شخصی و تأمین‌کننده نیازهای نظام سرمایه‌داری است.
  - حضور بی‌قید و شرط مادران در مشاغل کاذب با کم‌رنگ شدن نقش مادران در خانه و خانواده در تعامل با همسر و فرزندان همراه بوده و تضعیف بنیان خانواده را در پی داشته است.
- این در حالی است که دیدگاه تمدن اسلامی در مورد حضور مادران در عرصه‌های اجتماعی و اشتغال نافع مایه صلاح و فلاح مادران، خانواده و جامعه بوده و در ادامه به اختصار شرح داده می‌شود.

- تفکر حاکم بر مبانی اسلام با نگاه معرفت‌شناسی الهی، اعتقاد به وجود خدا و قدرت او و ربوبیت الهی شناخته و دنبال می‌شود.
- حضور مادران در عرصه‌های اجتماعی از هرگونه افراط و تفریط به دور بوده و در چارچوب ضوابطی خاص از جمله رعایت حجاب و عفاف و دوری از اختلاط زن و مرد صورت می‌گیرد. از سوی دیگر، مشارکت اجتماعی مادران در تعارض با نقش‌های مادری و همسری نبوده و نقش او در خانواده اولویت به نقش او در جامعه دارد.
- حضور اجتماعی مادران علاوه بر شکل‌دهی هویت فردی و ارزش‌های دینی، روحیه خودباوری در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی، خودآگاهی، احساس عزت و وظیفه خدمت‌رسانی در جامعه را پرورش داده و به صورت کلی پیشرفت مادران و جامعه او را سبب می‌شود و در راستای تحقق تمدن اسلامی است.

همچنین راهبردهای مدیریت و مقابله با ترویج اشتغال کاذب مادران به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا برخی اقدامات و راهبردها به صورت کلان و قابل اجرا توسط نهادهای بالادستی و حاکمیت ارائه گردید و برخی دیگر وظایف رسانه‌ها و متولیات فرهنگ‌سازی در جامعه اسلامی را متوجه خود دید.

## منابع

- ۱- آزاده، منصوره اعظم (۱۳۹۰)، *نابرابری جنسیتی در شاخص‌های فرهنگی - اجتماعی*، چالش‌های فرهنگی اجتماعی زنان، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ۲- احمدی، علی اصغر (۱۳۹۰)، *روان‌شناسی روابط درون خانواده*، تهران: مهدی.
- ۳- اسفندیار، سرور (۱۳۸۴)، «اشتغال زنان در بستر خانواده و ارتباط آن با طلاق»، *حوراء*، ش ۱۸.
- ۴- باقری، شهلا (۱۳۸۳)، *اشتغال زنان در ایران، درآمدی بر عوامل موثر بر اشتغال زنان در ایران*، تهران: شورای فرهنگی - اجتماعی زنان و خانواده.
- ۵- بهشتی، احمد (۱۳۹۵)، *تربیت کودک در جهان امروز*، تهران: موسسه بوستان کتاب.
- ۶- بانکی پورفرد، امیرحسین (۱۳۹۳)، *نقش و رسالت زن (۳): زن و خانواده*، تهران: انقلاب اسلامی.
- ۷- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲)، *زن در آیینه جلال و جمال*، قم: مرکز نشر اسراء.
- ۸- چراغی و حسنی، نسرين و رفیق (۱۳۹۸)، «پیامدها و دلایل ورود زنان به مشاغل مردانه (سخت)»، *فصلنامه علمی و پژوهشی زن و جامعه*، سال دهم، ش ۴.
- ۹- حاجی اسماعیلی، سمیه (۱۳۹۵)، *مادری در نگاه دینی و عینیت اجتماعی*، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران.
- ۱۰- حق‌شناس، سیدجعفر (۱۳۹۱)، *زن در خانواده*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۱- حسینی، فاطمه سادات (۱۳۹۴)، «تأثیر اشتغال مادران بر تربیت جنسی با رویکرد مطالعه اسلامی»، *همایش ملی تحکیم بنیان خانواده و نقش زن*.

- ۱۲- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰)، *زن و بازیابی هویت حقیقی*، تهران: انقلاب اسلامی.
- ۱۳- خدای، نرگس (۱۳۹۵)، *مادری؛ حقوق و مسئولیت‌ها*، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران.
- ۱۴- دفتر مطالعات و تحقیقات زنان (۱۳۸۵)، *آسیب‌شناسی نگاه به زن و خانواده*، رویکردی برگرفته از فرهنگ نبوی، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران.
- ۱۵- دمیرچی، نسربین (۱۳۹۲)، «اشتغال زنان، فرصت‌ها و تهدیدها»، پیام زن، ش ۲۶۱.
- ۱۶- رودگر، نرجس (۱۳۸۸)، «فمینیسم؛ مولود گفتمان غرب»، همایش جهانی مسائل زنان ره آورد جهان اسلام در مسائل زنان و واکاوی پیامدهای فمینیسم، دومین سال.
- ۱۷- سبحانی و زیبایی‌نژاد، محمدتقی و محمدرضا (۱۳۹۱)، *درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام*، بررسی مقایسه‌ای دیدگاه اسلام و غرب، قم: نشر هاجر.
- ۱۸- سیاح، مونس (۱۳۹۷)، *نگرش سیستمی به اشتغال زنان*، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان و خانواده.
- ۱۹- سخایی، مژگان (۱۳۸۸)، «فروپاشی فمینیسم»، همایش جهانی مسائل زنان ره آورد جهان اسلام در مسائل زنان و واکاوی پیامدهای فمینیسم، دومین سال.
- ۲۰- شریفی، احمد حسین (۱۳۹۱)، *جنگ نرم*، تهران: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۲۱- شکوهی ستا، رعنا (۱۳۹۲)، «باید و نیایدهای اشتغال زنان»، پیام زن، ش ۳۸.
- ۲۲- صابری خوش اخلاق، زهرا (۱۳۹۱)، «مقایسه تطبیقی دو رویکرد مکتب اسلام و فمینیسم به تامین امنیت اقتصادی زنان»، اندیشه‌های راهبردی: زن و خانواده، سومین نشست.
- ۲۳- صادقیان، داوود (۱۳۸۹)، *بررسی تاثیر پیامدهای اشتغال زنان بر روابط درون خانواده*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اکبر مجدالدین، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ۲۴- صدیقی اورعی، غلامرضا، «اشتغال زنان»، پیام زن، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ش ۴۹.
- ۲۵- طاهری‌نیا، احمد (۱۳۸۹)، *حضور زن در عرصه‌های اجتماعی - اقتصادی از نگاه آیات و روایات*، تهران: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۲۶- عظیم‌زاده اردبیلی و بهرامی، فائزه و لیلا (۱۴۰۰)، «تزام اشتغال و فرزند پروری مادران شاغل و ارائه الگوی متناسب در فقه و حقوق»، دوفصلنامه مطالعات اسلامی زنان و خانواده، دوره هشتم، ش ۱۵.
- ۲۷- غضنفری، مریم (۱۴۰۰)، *فرصت‌ها و چالش‌های اشتغال بانوان در جامعه از منظر قرآن و روایات*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، علی غضنفری، دانشکده علوم و معارف قرآن امل.
- ۲۸- فرهوش و حبیب‌اللهی و عصار، مجتبی و حمیدرضا و زینب (۱۳۹۹)، «اشتغال مادران و تاثیر آن بر فرزند پروری تا سه سالگی»، اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، سال ششم، ش ۲.
- ۲۹- کوهی، محمدرضا (۱۳۸۴)، *آسیب‌شناسی شخصیت و محبوبیت زن*، قم: اتقان.
- ۳۰- مهدوی، سیدمحمدصادق (۱۳۸۳)، «خوانش انتقادی اشتغال زنان»، حوراء، ش ۸.

- ۳۱- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹)، *تهاجم فرهنگی*، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۳۲- محققان سازمان روانشناسی آمریکا، لوی و کسر، آریل و تیم، ترجمه و تلخیص: رضوی و میراسلامی و پورعلمداری، فاطمه و راحله و پریسا (۱۳۸۸)، *تأثیر فمینیسم بر دختران در غرب*، تهران: دفتر نشر معارف.
- ۳۳- محتشمی، بتول (۱۳۷۸)، «اشتغال زنان، بایدها و نبایدها»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ش ۳.
- ۳۴- مرتضوی، سیدضیا (۱۳۸۱)، «ناتوانی مالی در ازدواج»، پیام زن، ش ۱۳۰.
- ۳۵- وکیلی، محمدحسن (۱۴۰۱)، *زن؛ از سلوک عرفانی تا تمدن اسلامی*، مشهد: موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.
- ۳۶- «چرا مصرف‌گرا شدیم؟ بررسی علل مصرف‌گرایی» (۱۳۸۸)، ارمغان، ش ۸.
- ۳۷- <https://farsi.khamenei.ir>